

کودک همسری از منظر قواعد حقوق بشری

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: ۲۷۱۷- ۱۴۶۹

Online ISSN: ۲۷۱۷ – ۱۴۷۷

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGIRAN
GOOGLESCHOLAR.ENSANI
www.jaml.ir

سال پنجم، شماره ۲۰،
صفحات ۱۷-۱

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی - پژوهشگر دوره دکتری تخصصی حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد

ارس، ایران

شهرلاستوده

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی - پژوهشگر دوره دکتری تخصصی حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد

مراغه، ایران

آرام رجب زاده

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، دکتری حقوق بین الملل عمومی، تبریز، ایران

پیمان حکیم زاده خویی

چکیده

کودک همسری به عنوان یک معضل اجتماعی و حقوق بشری در بسیاری از کشورها به ویژه در مناطق با فرهنگ های سنتی و نابرابر در زمینه های اجتماعی و اقتصادی، به شدت مطرح است. این پدیده به دلیل تبعیض های جنسیتی، فقر و فشارهای اجتماعی به وقوع می پیوندد و تأثیرات منفی عمیقی بر زندگی کودکان به ویژه دختران دارد. ازدواج در سنین پایین نه تنها باعث از بین رفتن فرصت های آموزشی می شود، بلکه به افزایش خطرات بهداشتی، خشونت خانگی و تداوم چرخه فقر منجر می گردد. برای مقابله با این مشکل، نیاز به اتخاذ راهکارهای حقوقی و اجتماعی مؤثر وجود دارد. تقویت قوانین ممنوعیت کودک همسری، آموزش و آگاهی بخشی به جامعه، تأمین حمایت های اجتماعی و اقتصادی برای خانواده ها و ایجاد نهادهای نظارتی کارآمد از جمله راهکارهای اساسی در این زمینه هستند. تصویب قوانین قاطع که حداقل سن ازدواج را مشخص کند و مجازات های مؤثری برای تخلفات در نظر بگیرد، می تواند به کاهش این پدیده کمک کند. همچنین، آموزش و آگاهی بخشی به جامعه درباره مضرات کودک همسری و اهمیت تحصیل برای دختران می تواند تغییرات مثبت فرهنگی ایجاد کند. علاوه بر این، فراهم سازی حمایت های اقتصادی و اجتماعی برای خانواده ها به کاهش فشارهای اقتصادی و جلوگیری از ازدواج های زود هنگام کمک خواهد کرد. ایجاد نهادهای مستقل برای نظارت بر اجرای قوانین و حمایت از قربانیان نیز امری ضروری است. در نهایت، تنها با همکاری های بین المللی و به اشتراک گذاری بهترین شیوه ها می توان به طور مؤثر با کودک همسری مقابله کرده و به ارتقاء حقوق بشر و آینده ای بهتر برای نسل های آینده دست یافت.

کودک همسری، حقوق بشر، قوانین، آگاهی بخشی، حمایت اجتماعی، برابری جنسیتی

واژگان کلیدی:

طبقه بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: ۲۷۱۷- ۱۴۶۹

Online ISSN: ۲۷۱۷ - ۱۴۷۷

Profile in ISC, SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

fifth year, Issue ۲۰

Pages ۱-۱۷

Spouse's child from the perspective of human rights rules

Shahla Sotoudeh

Lecturer at Islamic Azad University - Researcher in the PhD program in International Law, Islamic Azad University, Aras Branch, Iran

Aram Rajabzadeh

Lecturer at Islamic Azad University - Researcher in the PhD program in International Law, Islamic Azad University, Maraghe Branch, Iran

**Peyman Hakimzade
Khoei**

Assistant Professor and Faculty Member, Islamic Azad University, Tabriz Branch, PhD in Public International Law, Tabriz, Iran

Abstract

Child marriage is a social and human rights issue that is particularly prevalent in many countries, especially in regions with traditional cultures and social and economic inequalities. This phenomenon occurs due to gender discrimination, poverty, and social pressures, leading to profound negative impacts on the lives of children, especially girls. Early marriage not only results in the loss of educational opportunities but also increases health risks, domestic violence, and perpetuates the cycle of poverty. To address this issue, there is a need for effective legal and social strategies. Strengthening laws prohibiting child marriage, raising awareness within communities, providing social and economic support for families, and establishing efficient oversight bodies are essential strategies in this regard. Enacting strict laws that specify the minimum age for marriage and impose effective penalties for violations can help reduce this phenomenon. Furthermore, educating the community about the harms of child marriage and the importance of education for girls can lead to positive cultural changes. In addition, providing economic and social support to families will alleviate economic pressures and help prevent early marriages. The establishment of independent bodies to monitor the implementation of laws and support victims is also critical. Ultimately, only through international cooperation and sharing best practices can effective measures be taken against child marriage, promoting human rights and ensuring a better future for generations to come.

Keywords: Child marriage, human rights, laws, awareness, social support, oversight bodies, gender equality

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

کودک همسری، به عنوان یک پدیده اجتماعی و حقوق بشری، موضوعی است که در دهه‌های اخیر توجه زیادی را به خود جلب کرده است. این معضل نه تنها در کشورهای در حال توسعه، بلکه در برخی کشورهای توسعه یافته نیز وجود دارد و به خصوص در جوامع با فرهنگ‌های سنتی و نابرابر در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی، شدت بیشتری می‌یابد. کودک همسری به معنای ازدواج فردی زیر سن قانونی و معمولاً بدون رضایت کامل او است که غالباً به‌ویژه دختران را هدف قرار می‌دهد. این پدیده عواقب جدی و عمیقی برای زندگی کودکان دارد و می‌تواند بر روی بهداشت، تحصیلات، و فرصت‌های شغلی آن‌ها تأثیر منفی بگذارد. از جنبه اجتماعی، کودک همسری به چرخه فقر و نابرابری‌های جنسیتی دامن می‌زند. در بسیاری از موارد، خانواده‌ها به دلیل فشارهای اقتصادی یا فرهنگی، فرزندان خود را به خصوص دختران را در سنین پایین به ازدواج مجبور می‌کنند. این ازدواج‌ها نه تنها فرصت‌های تحصیلی را از کودکان می‌گیرند، بلکه آن‌ها را در معرض خشونت خانگی، مشکلات بهداشتی و ناتوانی‌های اقتصادی قرار می‌دهند. طبق گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی، دخترانی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند، به مراتب بیشتر از هم‌تایان خود در سنین بالاتر، با خطرات جانی و روانی مواجه هستند.

در سطح حقوق بشری، کودک همسری به عنوان نقض حقوق اساسی کودکان شناخته می‌شود. کنوانسیون حقوق کودک که به عنوان یکی از اساسی‌ترین اسناد بین‌المللی در این زمینه شناخته می‌شود، بر حق هر کودک به رشد، توسعه و برخورداری از آموزش تأکید دارد. این کنوانسیون همچنین دولت‌ها را ملزم می‌کند که تدابیری اتخاذ کنند تا از وقوع ازدواج‌های زودهنگام جلوگیری نمایند. با این حال، در بسیاری از کشورها، این قوانین به طور مؤثر اجرا نمی‌شوند و

فرهنگ‌های سنتی و نابرابری‌های اقتصادی مانع از تغییرات مثبت می‌شوند. به منظور مقابله با کودک همسری، نیاز به اتخاذ راهکارهای جامع و مؤثر در سطوح مختلف وجود دارد. این راهکارها باید شامل تصویب قوانین منعطف و شفاف، آموزش و آگاهی‌بخشی به جامعه، تأمین حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی برای خانواده‌ها و ایجاد نهادهای نظارتی کارآمد باشد. همچنین، همکاری‌های بین‌المللی و تبادل تجربیات بهترین شیوه‌ها در این زمینه می‌تواند به کاهش کودک همسری و حفظ حقوق کودکان کمک کند.

در این مقاله، به بررسی ابعاد مختلف کودک همسری، علل و پیامدهای آن، و راهکارهای حقوقی و اجتماعی برای کاهش این معضل خواهیم پرداخت. هدف این پژوهش روشن‌سازی زوایای مختلف این پدیده و ارائه پیشنهادات عملی برای بهبود وضعیت حقوق بشر در زمینه کودکان است.

۱- مفهوم کودک در اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون حقوق کودک

مفهوم کودک در اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون حقوق کودک، به وضوح اهمیت و آسیب‌پذیری این گروه سنی را مورد توجه قرار می‌دهد. اعلامیه جهانی حقوق بشر، که در سال ۱۹۴۸ تصویب شد، به حقوق انسانی کلی اشاره دارد و کودک را به عنوان یک موجودی با حقوق خاص شناسایی می‌کند. این اعلامیه بر اساس اصولی مانند برابری، عدم تبعیض و حق زندگی، بر حقوق کودکان تأکید می‌کند و ضرورت حفاظت از آن‌ها در برابر سوءاستفاده‌ها و بی‌عدالتی‌ها را بیان می‌دارد (مصفا و همکاران، ۱۳۸۳: ۶۸).

کنوانسیون حقوق کودک، که در سال ۱۹۸۹ به تصویب رسید، به طور خاص به حقوق کودکان پرداخته و مفاهیم مختلفی از جمله حق به زندگی، حق به آموزش، حق به سلامت و حق به مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به زندگی‌شان را تعریف

شده‌اند. این حقوق شامل حق به آموزش، حق به بیان نظر، حق به بازی و تفریح، حق به حمایت در برابر خشونت و سوءاستفاده و حق به سلامت روانی و جسمی است. کنوانسیون حقوق کودک در مواد مختلف خود، بر اهمیت این حقوق تأکید کرده و خواستار آن است که دولت‌ها باید محیطی امن و سالم برای رشد و شکوفایی کودکان فراهم کنند. به علاوه، این حقوق به کودک اجازه می‌دهند تا به عنوان یک فرد مستقل و فعال در جامعه مشارکت داشته باشد و نظرات و نیازهای خود را بیان کند (پاکی کلوانق، ۱۴۰۰: ۳۸).

افزون بر موارد مذکور، حقوق مالی و غیرمالی کودک در نظام بین‌المللی حقوق بشر با یکدیگر مرتبط و مکمل یکدیگر هستند. تأمین حقوق مالی، پایه‌گذار امکان دستیابی به حقوق غیرمالی است و برعکس، حمایت از حقوق غیرمالی به رشد و پیشرفت اقتصادی کودکان کمک می‌کند. دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی باید به منظور تحقق کامل حقوق کودکان، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را طراحی و اجرا کنند که شامل هر دو جنبه حقوق مالی و غیرمالی باشد (آقائی، ۱۳۷۶: ۸۴).

۲-۱- حق آموزش و تربیت کودک در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

حق آموزش و تربیت کودک در اسناد بین‌المللی حقوق بشر یکی از اصول بنیادی است که به منظور حمایت از توسعه همه‌جانبه و سلامت روحی و جسمی کودکان تدوین شده است. این حق به وضوح در چندین سند بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته و به عنوان یک حق غیرقابل تفکیک از دیگر حقوق انسانی شناخته می‌شود. اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ توسط مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد، اولین سند بین‌المللی است که به صراحت به حق آموزش اشاره دارد. در ماده ۲۶ این اعلامیه، آمده است که "هر کس حق دارد از آموزش برخوردار شود" و این حق به ویژه برای کودکان اهمیت بیشتری دارد. این ماده تأکید می‌کند که آموزش باید رایگان

می‌کند. این کنوانسیون همچنین کودک را به عنوان فردی با حقوق و مسئولیت‌های خاص می‌بیند و تأکید دارد که دولت‌ها باید شرایطی فراهم کنند که کودکان بتوانند به حداکثر توسعه خود برسند. با این رویکرد، کودک به عنوان یک موجود مستقل و نه صرفاً وابسته به بزرگ‌ترها مورد شناسایی قرار می‌گیرد (شعبانی، ۱۴۰۰: ۱۴۱).

۲-۲ حقوق مالی و حقوق غیر مالی کودک در نظام بین‌المللی حقوق بشر

حقوق مالی و غیرمالی کودک در نظام بین‌المللی حقوق بشر هر کدام شامل مجموعه‌ای از حقوق و مسئولیت‌ها هستند که به منظور حفاظت از منافع کودکان طراحی شده‌اند. این حقوق در اسناد بین‌المللی نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون حقوق کودک بیان شده و به طور خاص به نیازها و شرایط ویژه کودکان توجه دارند.

حقوق مالی کودک شامل مجموعه‌ای از حقوق اقتصادی و اجتماعی است که به منظور تأمین نیازهای اساسی کودک، همچون حق به خوراک، مسکن، بهداشت و آموزش ایجاد شده‌اند. این حقوق تأکید می‌کنند که هر کودک باید به منابع مالی کافی دسترسی داشته باشد تا بتواند به طور کامل از حقوق خود بهره‌مند شود. کنوانسیون حقوق کودک، در ماده ۲۶ به حق کودک برای دریافت حمایت اجتماعی و مالی اشاره می‌کند و بر این نکته تأکید دارد که دولت‌ها باید تدابیری اتخاذ کنند تا از تأمین مالی و اقتصادی کودکان اطمینان حاصل کنند. این شامل سیاست‌هایی برای کاهش فقر، حمایت از خانواده‌ها و ارائه خدمات اجتماعی است که به بهبود شرایط زندگی کودکان کمک می‌کند (خالدیان، ۱۴۰۲: ۸).

از سوی دیگر، حقوق غیرمالی کودک به حقوق فرهنگی، اجتماعی و مدنی مربوط می‌شود که به منظور حمایت از هویت، شخصیت و رشد عاطفی و اجتماعی کودک ایجاد

فیزیکی به مدارس نمی‌شود بلکه شامل کیفیت آموزش نیز هست. برای تحقق کامل این حق، نه تنها باید زیرساخت‌های آموزشی موجود باشد بلکه کیفیت محتوا، شیوه‌های آموزشی و محیط‌های یادگیری نیز باید مناسب و سالم باشند. به علاوه، باید به کودکان اجازه داده شود تا در تصمیم‌گیری‌های مربوط به آموزش خود مشارکت کنند و نظراتشان مورد توجه قرار گیرد. این رویکرد به کودکان این امکان را می‌دهد که به عنوان شهروندانی فعال و مؤثر در جامعه، توانمندی‌های خود را به حداکثر برسانند (شب افروز، ۱۴۰۰: ۲۳).

لذا، حق آموزش و تربیت کودک در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به عنوان یک حق اساسی در نظر گرفته شده است که نه تنها به عنوان یک ضرورت فردی، بلکه به عنوان یک مؤلفه کلیدی در توسعه اجتماعی و اقتصادی جوامع نیز مطرح می‌شود. این حق از نظر اخلاقی و قانونی مورد تأکید قرار دارد و دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی موظفاند تا شرایط لازم برای تحقق آن را فراهم کنند.

۲-۲- حداقل سن ازدواج کودک و آثار حقوقی آن از منظر اسناد بین‌المللی

حداقل سن ازدواج کودک یکی از موضوعات حساس و مهم در حقوق بشر و حقوق کودک است که در اسناد بین‌المللی به وضوح مورد توجه قرار گرفته است. این موضوع نه تنها به حقوق فردی کودکان بلکه به مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع نیز مربوط می‌شود. حداقل سن ازدواج به سنی اطلاق می‌شود که یک فرد می‌تواند به طور قانونی و بدون نیاز به اجازه والدین یا سرپرستان خود، ازدواج کند. این سن معمولاً به عنوان سنی در نظر گرفته می‌شود که فرد قادر به درک و پذیرش مسئولیت‌های ناشی از ازدواج باشد. در بسیاری از کشورها، این سن معمولاً بین ۱۸ تا ۲۱ سال تعیین می‌شود، اما در برخی کشورها می‌تواند پایین‌تر باشد (زمانی، ۱۳۹۹: ۵).

و ابتدایی برای همه در دسترس باشد و همچنین تشویق به آموزش عالی براساس شایستگی و استعداد فردی باشد. این بند به‌ویژه بر اهمیت دسترسی برابر به آموزش برای تمامی کودکان، بدون توجه به جنسیت، نژاد یا وضعیت اجتماعی-اقتصادی تأکید می‌کند (آزادی، ۱۳۹۹: ۶۷).

کنوانسیون حقوق کودک، که در سال ۱۹۸۹ به تصویب رسید، به‌طور خاص به حق آموزش و تربیت کودک پرداخته و این حق را در ماده ۲۸ و ۲۹ خود بیان می‌کند. ماده ۲۸ بر حق کودکان برای دسترسی به آموزش تأکید دارد و از دولت‌ها می‌خواهد که به‌منظور تحقق این حق، به ایجاد سیستم‌های آموزشی عادلانه و مؤثر بپردازند. این ماده به‌ویژه بر اهمیت آموزش ابتدایی رایگان و اجباری برای همه کودکان تأکید می‌کند و دولت‌ها را ملزم به اتخاذ تدابیری می‌کند که میزان ترک تحصیل و نابرابری‌های آموزشی را کاهش دهند. ماده ۲۹ این کنوانسیون نیز به اهداف آموزش می‌پردازد و تأکید می‌کند که آموزش باید به گونه‌ای باشد که شخصیت، استعدادها و توانایی‌های کودک را توسعه دهد. این ماده به کودک این حق را می‌دهد که در فرایندهای آموزشی شرکت کند و از تجارب آموزشی مختلف بهره‌مند شود. به علاوه، این ماده بر اهمیت آموزش در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی تأکید دارد و به دنبال ارتقاء احترام به حقوق بشر، تنوع فرهنگی و رفتارهای انسانی است (عبادی، ۱۳۷۸: ۵۴).

علاوه بر اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون حقوق کودک، دیگر اسناد بین‌المللی نیز به حق آموزش و تربیت کودک پرداخته‌اند. به عنوان مثال، "اجلاس جهانی آموزش برای همه" که در سال ۱۹۹۰ در جومته، تایلند برگزار شد، بر اهمیت آموزش برای همه و اهداف توسعه پایدار تأکید کرده است. این اجلاس به‌ویژه بر آموزش ابتدایی و ضرورت دسترسی به آموزش برای گروه‌های آسیب‌پذیر مانند دختران، کودکان با ناتوانی و کودکان در مناطق روستایی تأکید دارد. حق آموزش و تربیت کودکان تنها محدود به دسترسی

در نتیجه، تعیین حداقل سن ازدواج و رعایت آن در سطح بین‌المللی، نه تنها یک اقدام حقوقی، بلکه یک ضرورت اخلاقی و اجتماعی برای حفاظت از حقوق کودکان و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی است. دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی باید همکاری کنند تا از این حقوق حمایت کرده و شرایط لازم برای رشد سالم و پایدار کودکان را فراهم کنند.

۲-۳- نسبت گرای فرهنگی و کنوانسیون حقوق کودک

نسبت‌گرایی فرهنگی و کنوانسیون حقوق کودک در تعامل پیچیده‌ای با یکدیگر قرار دارند. نسبت‌گرایی فرهنگی به این مفهوم اشاره دارد که ارزش‌ها و باورهای فرهنگی باید در زمینه‌های خاص خود مورد ارزیابی قرار گیرند و از دیدگاه فرهنگی و اجتماعی هر جامعه‌ای محترم شمرده شوند. در مقابل، کنوانسیون حقوق کودک، که در سال ۱۹۸۹ به تصویب رسید، بر اصول جهانی حقوق بشر تأکید دارد و حقوق کودکان را فراتر از تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی قرار می‌دهد. این کنوانسیون بر اهمیت حقوق کودک به عنوان یک موجود مستقل و آسیب‌پذیر تأکید کرده و دولت‌ها را موظف می‌سازد که بدون توجه به فرهنگی که در آن قرار دارند، از حقوق کودکان حمایت کنند. در این زمینه، چالش اصلی این است که چگونه می‌توان تعادل مناسبی میان احترام به تنوع فرهنگی و تأمین حقوق غیرقابل انکار کودک برقرار کرد، به طوری که حقوق کودکان به عنوان یک اصل جهانی، مورد خدشه قرار نگیرد (عباسی، ۱۳۹۸: ۸۲).

۳- علل کودک همسری

کودک همسری پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است که تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قرار دارد. یکی از علل اصلی کودک همسری، سنت‌ها و رسوم فرهنگی است که در برخی جوامع به ازدواج در سنین پایین به عنوان یک رسم یا راه حل برای تأمین امنیت اقتصادی یا اجتماعی تلقی می‌شود. در این جوامع، ازدواج زود هنگام به عنوان یک راهکار

اسناد بین‌المللی متعددی به تعیین حداقل سن ازدواج پرداخته‌اند. به عنوان مثال، کنوانسیون حقوق کودک که در سال ۱۹۸۹ به تصویب رسید، در ماده ۱ خود کودک را به عنوان هر فرد زیر ۱۸ سال تعریف می‌کند و به دولت‌ها توصیه می‌کند که از ازدواج زود هنگام کودکان جلوگیری کنند. این کنوانسیون بر ضرورت حفاظت از حقوق کودکان و جلوگیری از ازدواج‌های اجباری و زودرس تأکید دارد. همچنین، در کمیته حقوق کودک، تأکید شده است که ازدواج زود هنگام می‌تواند به تبعیض، خشونت، و از دست دادن فرصت‌های آموزشی منجر شود. علاوه بر این، پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد فروش کودکان، کودک همسری و سوءاستفاده‌های جنسی نیز به این موضوع می‌پردازد و دولت‌ها را موظف می‌کند تا تدابیری اتخاذ کنند که از ازدواج زود هنگام و سوءاستفاده‌های مرتبط با آن جلوگیری کنند. همچنین، سازمان‌های بین‌المللی مانند یونیسف و سازمان بهداشت جهانی نیز بر اهمیت تعیین حداقل سن ازدواج و جلوگیری از ازدواج‌های زود هنگام تأکید دارند، چرا که این نوع ازدواج‌ها می‌تواند به مشکلات جدی بهداشتی و اجتماعی، از جمله بارداری‌های زودرس، خشونت خانگی و نابرابری‌های جنسیتی منجر شود (قاری سیدفاطمی، ۱۳۷۴: ۱۳۶).

آثار حقوقی حداقل سن ازدواج شامل حمایت از حقوق کودکان و جلوگیری از سوءاستفاده‌های ناشی از ازدواج زود هنگام است. تعیین یک سن حداقل برای ازدواج، به کودکان این امکان را می‌دهد که به آموزش و رشد فردی خود ادامه دهند و از انتخاب‌های بهتری در آینده برخوردار شوند. علاوه بر این، ازدواج زود هنگام می‌تواند عواقب اقتصادی منفی برای خانواده‌ها و جوامع به همراه داشته باشد، زیرا دختران جوان معمولاً به دلیل مسئولیت‌های خانوادگی از ادامه تحصیل و اشتغال باز می‌مانند (امرالهی، ۱۴۰۰: ۷۴).

ازدواج‌های زودهنگام وادار کنند تا از "آبرو" و "شرافت" خود محافظت کنند. این باور که دختران باید در سنین پایین ازدواج کنند و مسئولیت‌های خانوادگی را بر عهده بگیرند، به شدت بر تصمیم‌گیری‌های خانواده‌ها تأثیر می‌گذارد و به تداوم این چرخه منجر می‌شود (جواهری، ۱۳۹۹: ۴۱).

از سوی دیگر، کلیشه‌های جنسیتی بر انتظارات مربوط به نقش‌های مردان نیز تأثیر می‌گذارد. در بسیاری از فرهنگ‌ها، مردان به‌عنوان تأمین‌کنندگان مالی خانواده‌ها در نظر گرفته می‌شوند و بنابراین، فشار اجتماعی به آن‌ها وارد می‌شود تا با ازدواج زودهنگام دختران، خود را از مسؤولیت‌های اجتماعی رها کنند یا فرصت‌هایی برای کسب درآمد را به‌دست آورند. این وضعیت باعث می‌شود که مردان و پسران نیز در چرخه کودک همسری گرفتار شوند، زیرا آن‌ها به‌دلیل انتظارات اجتماعی، ممکن است به ازدواج با دختران جوان‌تر تمایل نشان دهند. در نتیجه، کلیشه‌های جنسیتی نه‌تنها به ازدواج‌های زودهنگام دامن می‌زنند، بلکه موجب ایجاد تبعیض‌های عمیق‌تری در جامعه می‌شوند که به نفع مردان و به ضرر زنان و دختران تمام می‌شود. برای مقابله با کودک همسری، نیاز است که این کلیشه‌ها به چالش کشیده شده و تغییر کنند تا حقوق و آزادی‌های کودکان به‌ویژه دختران مورد احترام قرار گیرد (نظام الاسلامی، ۱۳۹۸: ۵۲).

۴-۱- خشونت جنسی نسبت به کودک به مثابه نقض حقوق بشر

خشونت جنسی نسبت به کودک یکی از جدی‌ترین نقض‌های حقوق بشر به شمار می‌آید که تأثیرات عمیق و ماندگاری بر سلامت جسمی، روانی و اجتماعی قربانیان دارد. این نوع خشونت شامل هرگونه رفتار یا عمل جنسی اجباری یا غیرمجاز است که به کودکان تحمیل می‌شود و می‌تواند به شکل سوءاستفاده‌های جنسی، بهره‌برداری جنسی، تعرض و آزارهای جنسی خود را نشان دهد. این اعمال نه‌تنها حقوق

برای کاهش بار مالی خانواده یا حفاظت از دختران در برابر خطراتی چون سوءاستفاده و بی‌سرپرستی مشاهده می‌شود. همچنین، در برخی فرهنگ‌ها، ازدواج در سنین پایین به‌عنوان نشانه‌ای از وفاداری و افتخار خانواده محسوب می‌شود و به دختران یادآوری می‌شود که وظیفه‌شان به سرانجام رساندن این سنت‌هاست (رضوانی، ۱۳۹۹: ۳۵).

علاوه بر عوامل فرهنگی، شرایط اقتصادی و اجتماعی نیز نقش مهمی در کودک همسری ایفا می‌کند. فقر یکی از عوامل اصلی این پدیده است؛ در خانواده‌های کم‌درآمد، والدین ممکن است برای کاهش هزینه‌های نگهداری و آموزش دختران خود، آن‌ها را به ازدواج زودهنگام وادار کنند. همچنین، عدم دسترسی به آموزش و فرصت‌های شغلی برای دختران، به ویژه در جوامع با سطح توسعه پایین، می‌تواند آن‌ها را به ازدواج زودهنگام سوق دهد، زیرا این تصور وجود دارد که ازدواج می‌تواند امنیت مالی و اجتماعی به همراه داشته باشد. این ترکیب از عوامل فرهنگی و اقتصادی به‌طور گسترده‌ای در جوامع مختلف دیده می‌شود و نیاز به توجه و اقدام‌های مؤثر برای پیشگیری از کودک همسری و حمایت از حقوق کودکان دارد (حبیبی یوریق، ۱۴۰۱: ۶۶).

۴-۲- کلیشه‌های جنسیتی در رابطه با کودک همسری

کودک همسری یکی از پدیده‌هایی است که به شدت تحت تأثیر کلیشه‌های جنسیتی قرار دارد و این کلیشه‌ها در شکل‌گیری و تداوم این مسئله نقش مهمی ایفا می‌کنند. کلیشه‌های جنسیتی به تصورات و باورهای فرهنگی مربوط می‌شوند که به‌طور سنتی مشخص می‌کنند که هر جنس باید چگونه رفتار کند، و این تصورات معمولاً به نفع یک جنس (معمولاً مردان) و به ضرر جنس دیگر (معمولاً زنان) شکل می‌گیرند. در بسیاری از جوامع، دختران به‌عنوان موجوداتی نیازمند حفاظت و محدودیت در رفتارهای اجتماعی تصور می‌شوند، و این امر باعث می‌شود که خانواده‌ها آن‌ها را به

طبق کنوانسیون حقوق کودک، هر کودک حق دارد از حمایت در برابر هر گونه ازدواج زودهنگام و اجباری بهره‌مند شود، اما در عمل، بسیاری از کودکان، به‌ویژه دختران، در سنین پایین به ازدواج‌هایی وادار می‌شوند که نه تنها به اراده آن‌ها توجه نمی‌شود، بلکه سلامت جسمی و روانی آن‌ها را نیز به خطر می‌اندازد (پروین، ۱۳۹۵: ۱۲۴).

از دیگر ابعاد نقض حقوق بشر در کودک همسری، آثار روانی و اجتماعی این پدیده است که می‌تواند به تبعیض‌های جنسیتی، خشونت خانگی و بروز مشکلات بهداشتی منجر شود. دختران کودک همسر معمولاً به‌دلیل مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی از تحصیل و فرصت‌های شغلی محروم می‌شوند و این وضعیت می‌تواند به تداوم چرخه فقر و نابرابری در جوامع منجر شود. علاوه بر این، کودک همسری اغلب با بارداری‌های زودرس و مشکلات بهداشتی مرتبط است که به‌ویژه در مواردی که دختران هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند، می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد. به این ترتیب، کودک همسری به‌عنوان یک نقض جدی حقوق بشر، نه تنها زندگی فردی کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد بلکه به تضعیف ساختارهای اجتماعی و اقتصادی جوامع نیز منجر می‌شود و نیاز به توجه و اقدام‌های جدی برای مبارزه با آن احساس می‌شود (مهرپور، ۱۳۷۹: ۹۸).

۵- پیامدهای کودک همسری

کودک همسری پیامدهای متعددی دارد که تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر زندگی فردی، اجتماعی و اقتصادی کودکان، به‌ویژه دختران، می‌گذارد. این پیامدها را می‌توان به چند دسته اصلی تقسیم کرد:

الف. پیامدهای بهداشتی و جسمی

بنیادین کودک را زیر پا می‌گذارند، بلکه موجب تخریب شخصیت، اعتماد به نفس و سلامت روانی آن‌ها می‌شوند. بر اساس کنوانسیون حقوق کودک، هر کودک حق دارد از حمایت در برابر هر نوع خشونت و سوءاستفاده بهره‌مند شود و دولت‌ها موظف‌اند که تدابیر مؤثری برای جلوگیری از این نوع خشونت و حمایت از قربانیان اتخاذ کنند (شب افروز، ۱۴۰۰: ۲۴).

خشونت جنسی نسبت به کودک به‌عنوان یک نقض جدی حقوق بشر، نه تنها حقوق فردی کودکان را نادیده می‌گیرد، بلکه بر پایه اصول کلی حقوق بشر از جمله حق به زندگی، حق به امنیت، حق به رشد و حق به تحصیل نیز تأثیر منفی می‌گذارد. همچنین، این نوع خشونت می‌تواند تبعات اجتماعی و اقتصادی وسیعی به همراه داشته باشد، از جمله بروز بیماری‌های روانی و جسمی، کاهش فرصت‌های آموزشی و شغلی، و در نهایت، تداوم چرخه فقر و نابرابری. برای مقابله با این معضل، جامعه بین‌المللی باید با همکاری یکدیگر به دنبال ایجاد سیاست‌ها و برنامه‌های مؤثری باشد که نه تنها از حقوق کودکان در برابر خشونت‌های جنسی حفاظت کند، بلکه محیطی ایمن و حمایتی برای رشد و شکوفایی آن‌ها فراهم آورد (توتونچیان و سرشار، ۱۳۹۹: ۱۱۲).

۴-۲- کودک همسری به مثابه نقض حقوق بشر

کودک همسری به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، به‌طور گسترده‌ای به‌عنوان نقض حقوق بشر شناخته می‌شود و تأثیرات منفی عمیقی بر زندگی و آینده کودکان، به‌ویژه دختران، دارد. این عمل معمولاً تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قرار می‌گیرد و اغلب به‌عنوان راه‌حلی برای مشکلات اقتصادی یا به‌عنوان بخشی از سنت‌ها و رسوم فرهنگی مشاهده می‌شود. اما در واقع، کودک همسری نه تنها حقوق فردی کودکان را نقض می‌کند، بلکه آن‌ها را از فرصت‌های آموزشی، اجتماعی و اقتصادی محروم می‌سازد.

بر کیفیت زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد، بلکه بر رشد اقتصادی جوامع نیز اثر منفی خواهد گذاشت (مروت، ۱۳۸۵: ۱۴).

د. پیامدهای فرهنگی و اجتماعی

کودک همسری می‌تواند به تداوم تبعیض‌های جنسیتی و نابرابری‌های اجتماعی منجر شود. این پدیده معمولاً به‌عنوان یک هنجار اجتماعی پذیرفته می‌شود که دختران را به نقش‌های سنتی محدود می‌کند و فرصت‌های برابر را برای آن‌ها سلب می‌کند. این امر می‌تواند به تقویت فرهنگ‌های مردسالارانه و تداوم نگرش‌های منفی نسبت به زنان و دختران در جامعه منجر شود (داود الموسوی، ۱۴۰۱: ۴۵).

ه. پیامدهای قانونی و حقوق بشری

کودک همسری به‌عنوان یک نقض حقوق بشر شناخته می‌شود و پیامدهای حقوقی جدی برای دولت‌ها و جوامع دارد. این پدیده با اصول حقوق بشری، به‌ویژه حقوق کودک، تضاد دارد و نشان‌دهنده ناکامی دولت‌ها در تأمین امنیت و حفاظت از حقوق کودکان است. عدم اقدام مؤثر برای جلوگیری از کودک همسری و حمایت از قربانیان می‌تواند به کاهش اعتبار حقوق بشر در سطح ملی و بین‌المللی منجر شود (مهرپور، ۱۳۹۵: ۸۴).

به‌طور کلی، کودک همسری پیامدهای جدی و چندجانبه‌ای دارد که نه‌تنها بر زندگی فردی و اجتماعی کودکان تأثیر می‌گذارد، بلکه بر رشد و توسعه جوامع نیز اثر منفی می‌گذارد. برای مقابله با این معضل، نیاز به همکاری‌های بین‌المللی، تدوین سیاست‌های مؤثر و افزایش آگاهی عمومی وجود دارد تا حقوق کودکان، به‌ویژه دختران، به‌خوبی محافظت شود و شرایط بهتری برای رشد و شکوفایی آن‌ها فراهم گردد.

۵-۱- تأثیر ضمانت اجرا در ممنوعیت کودک همسری

کودک همسری اغلب به بارداری‌های زودرس منجر می‌شود که می‌تواند سلامت جسمی دختران را به خطر بیندازد. دخترانی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند، معمولاً هنوز به بلوغ کامل نرسیده‌اند و این موضوع می‌تواند به عوارض جدی در هنگام بارداری و زایمان منجر شود، از جمله مشکلات زایمان، عفونت‌های پس از زایمان و حتی مرگ مادر. به‌علاوه، دختران در این سن بیشتر در معرض خشونت جنسی و سوءاستفاده‌های خانوادگی قرار می‌گیرند که این امر نیز می‌تواند سلامت روانی و جسمی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد (طائی و شاحیدر، ۱۴۰۳: ۱۱).

ب. پیامدهای روانی و اجتماعی

ازدواج در سنین پایین می‌تواند عوارض روانی جدی به‌دنبال داشته باشد. دختران کودک همسر ممکن است احساس تنهایی، ناامیدی و افسردگی کنند، زیرا آن‌ها از ادامه تحصیل و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی محروم می‌شوند. این امر نه‌تنها بر سلامت روانی آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه می‌تواند به شکل‌گیری مشکلاتی مانند اضطراب و اختلالات روانی در آینده نیز منجر شود. همچنین، این دختران معمولاً به‌دلیل نقش‌های جدید و مسئولیت‌های خانوادگی، از دوستی‌ها و ارتباطات اجتماعی خود دور می‌شوند (مقدادی و جوادپور، ۱۳۹۶: ۸۴).

ج. پیامدهای اقتصادی

کودک همسری تأثیرات منفی بر اقتصاد خانواده و جامعه دارد. دختران کودک همسر معمولاً از فرصت‌های آموزشی و شغلی محروم می‌شوند که این امر می‌تواند منجر به تداوم چرخه فقر در خانواده‌ها شود. عدم تحصیل و کارآفرینی دختران باعث می‌شود که آن‌ها نتوانند به‌طور مستقل درآمد کسب کنند و وابستگی مالی به همسران خود پیدا کنند. این وضعیت نه‌تنها

افزایش آگاهی عمومی می‌تواند به تغییر نگرش‌ها و باورهای فرهنگی که کودک همسری را توجیه می‌کند، کمک کند. با ارتقاء آگاهی و آموزش به والدین و جامعه، احتمال کاهش کودک همسری افزایش می‌یابد (طاهری، ۱۴۰۰: ۶۲).

التهیه اینک، همکاری‌های بین‌المللی نیز یکی از مؤلفه‌های مهم در ضمانت اجرا برای ممنوعیت کودک همسری است. تبادل تجربیات و بهترین شیوه‌ها بین کشورها می‌تواند به توسعه سیاست‌ها و تدابیر مؤثر برای مبارزه با کودک همسری کمک کند. نهادهای بین‌المللی نیز می‌توانند با ارائه حمایت‌های مالی و فنی به کشورها، در تقویت نظام‌های قانونی و اجرایی در این زمینه نقش ایفا کنند. به‌طور کلی، تأثیر ضمانت اجرا در ممنوعیت کودک همسری می‌تواند به‌طور قابل توجهی به حفظ حقوق کودکان کمک کند و با ایجاد محیطی امن و حمایتی، از وقوع این پدیده اجتماعی جلوگیری نماید.

۵-۲- جبران خسارت معنوی ناشی از کودک همسری

جبران خسارت معنوی ناشی از کودک همسری یک موضوع پیچیده و حساس است که به حقوق کودکان و ابعاد حقوق بشری مربوط می‌شود. کودک همسری نه‌تنها به‌عنوان یک عمل قانونی غیرقابل قبول، بلکه به‌عنوان یک نقض جدی حقوق بشر، تبعات عمیق و ماندگاری بر زندگی کودکان به‌ویژه دختران دارد. خسارت معنوی ناشی از کودک همسری شامل آسیب‌های روانی، اجتماعی و فرهنگی است که نیاز به تدابیر جبرانی مؤثر دارد.

اولین بُعد جبران خسارت معنوی، ارائه خدمات روان‌شناختی و مشاوره‌ای به قربانیان است. کودکانی که در سنین پایین به ازدواج وادار می‌شوند، معمولاً دچار مشکلات جدی روانی از جمله افسردگی، اضطراب و احساس تنهایی می‌شوند. برنامه‌های حمایتی و درمانی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که به این آسیب‌ها پاسخ دهند و به قربانیان کمک کنند تا با

تأثیر ضمانت اجرا در ممنوعیت کودک همسری یکی از جنبه‌های کلیدی در تحقق حقوق کودکان و جلوگیری از این پدیده اجتماعی است. ضمانت‌های اجرایی به تدابیر قانونی، نهادها و سیاست‌هایی اطلاق می‌شود که برای اجرای مؤثر قوانین و مقررات مربوط به ممنوعیت کودک همسری طراحی شده‌اند. این ضمانت‌ها به چندین شکل می‌توانند تأثیرگذار باشند.

اولین تأثیر ضمانت اجرا، تعیین چارچوب قانونی است. وجود قوانین و مقررات شفاف و مؤثر در زمینه ممنوعیت کودک همسری اولین گام برای جلوگیری از این پدیده است. هنگامی که دولت‌ها به تصویب قوانین ممنوعیت کودک همسری می‌پردازند، این اقدام به‌عنوان یک پیام قوی به جامعه منتقل می‌شود که نشان‌دهنده تعهد آن‌ها به حفظ حقوق کودکان است. این قوانین باید شامل مجازات‌های مؤثر برای کسانی باشد که به‌طور غیرقانونی اقدام به ازدواج با کودکان می‌کنند. به این ترتیب، وجود یک چارچوب قانونی محکم می‌تواند به کاهش آمار کودک همسری کمک کند و جامعه را به سمت احترام به حقوق کودکان هدایت کند (طباطبایی مومنی، ۱۳۹۶: ۱۲۸).

دومین تأثیر، ایجاد نهادهای نظارتی و حمایتی است. برای اجرای مؤثر قوانین، نیاز به نهادهای مستقل و کارآمد وجود دارد که بتوانند بر اجرای قوانین نظارت کنند و در صورت وقوع تخلف، اقدام‌های قانونی لازم را انجام دهند. این نهادها باید آموزش‌های لازم را برای شناسایی و پیشگیری از کودک همسری به معلمان، کارمندان اجتماعی و خانواده‌ها ارائه دهند و همچنین به قربانیان کودک همسری حمایت‌های حقوقی و اجتماعی ارائه دهند (هدایت نیا، ۱۳۹۸: ۲۱).

سومین تأثیر، آگاهی‌بخشی عمومی و فرهنگی است. ضمانت‌های اجرایی باید شامل برنامه‌های آگاهی‌بخشی به جامعه در مورد مضرات کودک همسری و حقوق کودکان باشد.

جامع و چندجانبه است که به حمایت از قربانیان و جلوگیری از وقوع دوباره این پدیده کمک می‌کند.

۶- رویه بین‌المللی و رویه ایران در اعمال بهترین منفعت کودک

رویه بین‌المللی در اعمال بهترین منفعت کودک به‌ویژه در چارچوب کنوانسیون حقوق کودک، تأکید بر این دارد که تمامی تصمیمات مربوط به کودکان باید با در نظر گرفتن منافع عالیه آن‌ها اتخاذ شود. این رویکرد به‌عنوان اصل بنیادین حقوق کودک در اسناد بین‌المللی شناخته می‌شود و کشورهای عضو را ملزم می‌سازد تا در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های اجرایی خود، به نیازها و حقوق کودکان توجه ویژه‌ای داشته باشند. در ایران نیز، با وجود تأسیس نهادهایی مانند سازمان بهزیستی و تصویب قوانین مرتبط، همچنان چالش‌های جدی در تحقق این اصل وجود دارد. در واقع، در حالی که قوانین داخلی ایران به‌ویژه قانون حمایت از خانواده و قانون مدنی به مسأله بهترین منفعت کودک اشاره می‌کنند، در عمل بسیاری از دختران و پسران در معرض مشکلاتی مانند کودک همسری، سوءاستفاده و عدم دسترسی به آموزش و بهداشت قرار دارند. به همین دلیل، لازم است که رویکردهای بین‌المللی به‌طور جدی‌تر در نظام حقوقی ایران مورد توجه قرار گیرد تا به واقعیت‌های زندگی کودکان توجه بیشتری شود و تضمین شود که منافع عالیه آن‌ها در تمامی جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تأمین گردد (شعبانی، ۱۴۰۰: ۱۶۰).

۶-۱- اقدامات نهادهای بین‌المللی در راستای حفظ حقوق بشری کودک

اقدامات نهادهای بین‌المللی در راستای حفظ حقوق بشری کودک شامل چندین محور کلیدی است که هدف آن حمایت

عوارض روانی ناشی از تجربیات خود کنار بیایند. این خدمات می‌توانند شامل مشاوره فردی، گروهی و آموزش مهارت‌های زندگی باشند (عظیم زاده و هدایت، ۱۳۹۵: ۴۱).

دومین بُعد جبران خسارت معنوی، تأمین حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی برای قربانیان است. بسیاری از دخترانی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند، از فرصت‌های آموزشی و شغلی محروم می‌شوند و این موضوع می‌تواند به تداوم چرخه فقر منجر شود. بنابراین، جبران خسارت معنوی نیازمند ایجاد برنامه‌هایی است که به این دختران کمک کند تا به استقلال اقتصادی دست یابند و از خدمات آموزشی و شغلی بهره‌مند شوند. این اقدامات می‌تواند شامل فراهم‌سازی دسترسی به آموزش، دوره‌های مهارت‌آموزی و حمایت‌های مالی باشد (همان منبع، ۴۲).

سومین بُعد جبران خسارت معنوی، ارتقاء آگاهی و آموزش جامعه است. جامعه باید نسبت به پیامدهای منفی کودک همسری و حقوق کودکان آگاه شود. برنامه‌های آگاهی‌بخشی می‌توانند به تغییر نگرش‌ها و کاهش تبعیض‌های جنسیتی کمک کنند. ایجاد کمپین‌های اجتماعی و فرهنگی می‌تواند به تقویت حقوق کودکان و حمایت از قربانیان کودک همسری کمک کند (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۵: ۱۰).

در نهایت، جبران خسارت معنوی ناشی از کودک همسری نیازمند همکاری‌های بین‌المللی و ملی است. دولت‌ها و نهادهای غیردولتی باید با یکدیگر همکاری کنند تا از طریق سیاست‌های مؤثر و ایجاد محیطی حمایتی، به جبران خسارت‌های ناشی از کودک همسری بپردازند. این اقدامات باید بر اساس نیازهای واقعی قربانیان و با مشارکت آن‌ها طراحی شوند تا اطمینان حاصل شود که حقوق و کرامت انسانی آن‌ها به‌خوبی مورد احترام قرار می‌گیرد. به‌طور کلی، جبران خسارت معنوی ناشی از کودک همسری یک فرآیند

حقوق کودک، که زیرمجموعه سازمان ملل متحد است، به بررسی گزارش‌های کشورهای و نظارت بر اجرای این کنوانسیون می‌پردازند و بر اساس اطلاعات دریافتی، توصیه‌هایی را برای بهبود وضعیت حقوق کودکان ارائه می‌دهند (خزائی، ۱۴۰۱: ۷۶).

علاوه بر این، سازمان‌های غیردولتی و نهادهای بین‌المللی دیگر نیز در زمینه حقوق کودک فعال هستند و با برگزاری کارگاه‌ها، کمپین‌های آگاهی‌بخشی و نظارت بر وضعیت حقوق کودکان، تلاش می‌کنند تا تبعیض‌ها را شناسایی و کاهش دهند. این نهادها همچنین به قربانیان تبعیض کمک‌های حقوقی و اجتماعی ارائه می‌دهند و به آن‌ها فرصت‌های آموزشی و شغلی مناسب را فراهم می‌کنند. در نهایت، نهادهای نظارتی با همکاری‌های بین‌المللی و ایجاد شبکه‌های حمایتی، سعی در تقویت مکانیزم‌های نظارتی دارند تا اطمینان حاصل شود که اصول حقوق بشر به‌ویژه اصل عدم تبعیض به‌طور مؤثر در تمام سطوح اجرا می‌شود و حقوق کودکان به‌عنوان بخشی از حقوق بشر مورد احترام قرار گیرد. این اقدامات همگی به هدف تأمین عدالت و برابری برای کودکان در سراسر جهان صورت می‌گیرد (عباسی، ۱۳۹۸: ۱۰۵).

۳-۶- راهکارهای حقوقی برای کاهش کودک همسری

کودک همسری به‌عنوان یک پدیده اجتماعی و حقوقی، به دلایل مختلفی مانند نابرابری‌های جنسیتی، فقر و فشارهای اجتماعی به وجود می‌آید. برای کاهش این معضل، اتخاذ راهکارهای حقوقی مؤثر ضروری است. اولین راهکار، تقویت قوانین ممنوعیت کودک همسری است. تصویب و اجرای قوانین قاطع و شفاف در ممنوعیت ازدواج کودکان یکی از مهم‌ترین اقدامات است. این قوانین باید حداقل سن ازدواج را به‌وضوح مشخص کنند و شرایطی را برای ازدواج‌های قانونی تعیین نمایند. همچنین، باید مجازات‌های مؤثری برای کسانی

از حقوق کودکان در سطح جهانی است. اولین اقدام مهم، تصویب کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ است که حقوق پایه‌ای مانند حق به زندگی، حق به سلامت و حق به آموزش را برای کودکان تعیین می‌کند. این کنوانسیون دولت‌ها را ملزم می‌سازد که سیاست‌ها و برنامه‌هایی را برای تأمین این حقوق تدوین و اجرا کنند. سازمان‌هایی مانند یونیسف و سازمان جهانی بهداشت نیز برنامه‌های متنوعی برای تأمین و حمایت از حقوق کودکان اجرا می‌کنند. این سازمان‌ها به تأمین خدمات بهداشتی، آموزشی و اجتماعی، مقابله با خشونت علیه کودکان و ترویج آگاهی عمومی درباره حقوق کودک می‌پردازند. همچنین، نهادهای بین‌المللی نظیر سازمان بین‌المللی کار در مبارزه با کار کودکان و تأمین شرایط مناسب برای کودکان کار می‌کنند. این اقدامات همگی به هدف ایجاد یک محیط امن و حمایتی برای رشد و شکوفایی کودکان در سطح جهانی صورت می‌گیرد و تلاش می‌کند تا حقوق آن‌ها به‌طور مؤثر محافظت شود (پاکی کلوانق، ۱۴۰۰: ۵۸).

۲-۶- نهادهای نظارتی حقوق بشری در تبیین اصل عدم تبعیض علیه کودک

نهادهای نظارتی حقوق بشری نقش مهمی در تبیین اصل عدم تبعیض علیه کودک دارند و با ایجاد سازوکارهای نظارتی و حمایتی، به تحقق این اصل در سطح جهانی و ملی کمک می‌کنند. این نهادها از طریق تدوین اسناد، پیگیری تخلفات و حمایت از حقوق کودکان، به تبیین و گسترش مفهوم عدم تبعیض در زمینه حقوق کودک می‌پردازند.

کنوانسیون حقوق کودک به‌عنوان مهم‌ترین سند بین‌المللی در زمینه حقوق کودک، اصل عدم تبعیض را به‌صراحت در مواد خود مطرح کرده و دولت‌ها را ملزم می‌کند که بدون توجه به نژاد، جنسیت، مذهب یا وضعیت اجتماعی، حقوق همه کودکان را محترم بشمارند. نهادهای نظارتی مانند کمیته

کودک همسری به عنوان یک معضل جدی اجتماعی و حقوق بشری، نیازمند توجه و اقدامات فوری در سطوح ملی و بین‌المللی است. این پدیده نه تنها به حقوق و کرامت انسانی کودکان آسیب می‌زند، بلکه تأثیرات عمیق و طولانی‌مدتی بر زندگی آن‌ها دارد. ازدواج در سنین پایین می‌تواند منجر به مشکلاتی از جمله عدم دسترسی به آموزش، افزایش خطر خشونت خانگی، مشکلات بهداشتی و روانی و تداوم چرخه فقر شود. به همین دلیل، اتخاذ رویکردهای حقوقی و اجتماعی جامع برای مقابله با این معضل ضروری است. نهادهای بین‌المللی و قوانین ملی باید به طور مؤثر در مبارزه با کودک همسری وارد عمل شوند. تصویب و اجرای قوانین قاطع که حداقل سن ازدواج را به وضوح مشخص کند، اولین گام ضروری در این راستا است. این قوانین باید به گونه‌ای طراحی شوند که نه تنها ازدواج‌های غیرقانونی را ممنوع کنند، بلکه به طور خاص به حمایت از دختران و پسران در معرض خطر نیز بپردازند. علاوه بر این، مجازات‌های مؤثری برای متخلفان باید در نظر گرفته شود تا از وقوع اینگونه ازدواج‌ها جلوگیری شود.

آموزش و آگاهی‌بخشی به جامعه نیز به عنوان یک راهکار کلیدی در کاهش کودک همسری باید مورد توجه قرار گیرد. برنامه‌های آموزشی برای والدین، معلمان و اعضای جامعه می‌تواند به تغییر نگرش‌ها و فرهنگ‌های غلط کمک کند. این آموزش‌ها باید بر اهمیت تحصیل و برابری جنسیتی تأکید کنند و به جامعه یادآوری کنند که ازدواج زودهنگام نه تنها به دختران آسیب می‌زند، بلکه توسعه اجتماعی و اقتصادی را نیز به خطر می‌اندازد. تأمین حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی برای خانواده‌ها نیز یکی از عوامل مؤثر در کاهش کودک همسری است. بسیاری از خانواده‌ها به دلیل فقر اقتصادی و فشارهای اجتماعی به ازدواج کودکان متوسل می‌شوند. بنابراین، ایجاد برنامه‌های حمایتی که به تأمین منابع مالی و خدمات اجتماعی برای خانواده‌ها بپردازد، می‌تواند نقش مهمی در کاهش این پدیده ایفا کند. به ویژه، فراهم‌سازی مشوق‌های

که به طور غیرقانونی اقدام به ازدواج با کودکان می‌کنند، در نظر گرفته شود (جواهری، ۱۳۹۹: ۹۷).

دومین راهکار، آموزش و آگاهی‌بخشی به جامعه است. برگزاری کارگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی برای والدین، معلمان و اعضای جامعه درباره مضرات کودک همسری و حقوق کودکان می‌تواند به تغییر نگرش‌ها و فرهنگ‌های غلط کمک کند. این آموزش‌ها می‌توانند شامل ترویج برابری جنسیتی و اهمیت تحصیل برای دختران باشند. سومین راهکار، فراهم‌سازی حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی برای خانواده‌ها است. تأمین منابع مالی و خدمات اجتماعی می‌تواند به کاهش فشارهای اقتصادی بر خانواده‌ها کمک کند و از این طریق مانع از ازدواج زودهنگام دختران شود. ارائه مشوق‌های مالی برای ادامه تحصیل دختران و برنامه‌های حمایت از خانواده‌های کم‌درآمد می‌تواند در این راستا مؤثر باشد. چهارمین راهکار، ایجاد نهادهای نظارتی و حمایت از حقوق کودکان است. تشکیل نهادهای مستقل و کارآمد که به نظارت بر اجرای قوانین و حمایت از قربانیان کودک همسری بپردازند، می‌تواند به کاهش این پدیده کمک کند. این نهادها باید به طور فعال در شناسایی موارد کودک همسری و ارائه خدمات حمایتی به قربانیان دخالت کنند (مقدادی و جوادپور، ۱۳۹۶: ۸۵).

در نهایت، همکاری‌های بین‌المللی نیز می‌تواند نقش مهمی در کاهش کودک همسری ایفا کند. تبادل تجربیات و بهترین شیوه‌ها بین کشورها و سازمان‌های بین‌المللی می‌تواند به توسعه سیاست‌های مؤثر در مبارزه با کودک همسری کمک کند. به طور کلی، اجرای این راهکارها به صورت جامع و هماهنگ می‌تواند به کاهش کودک همسری و حفظ حقوق کودکان کمک کند.

نتیجه‌گیری

۱. برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای والدین و جامعه
۲. تهیه و توزیع مطالب آموزشی درباره مضرات کودک همسری
۳. ایجاد مشوق‌های مالی برای ادامه تحصیل دختران
۴. توسعه خدمات مشاوره‌ای برای خانواده‌ها
۵. برگزاری کمپین‌های اجتماعی و رسانه‌ای علیه کودک همسری

• پیشنهادات اجرایی

۱. تدوین و اجرای برنامه‌های نظارتی بر ازدواج‌های زود هنگام
۲. مشارکت با سازمان‌های غیردولتی برای اجرای پروژه‌های محلی
۳. تأسیس مراکز حمایت از قربانیان کودک همسری
۴. پیگیری و گزارش تخلفات در زمینه کودک همسری توسط نهادهای مربوطه
۵. توسعه و اجرای برنامه‌های توانمندسازی اقتصادی برای دختران و زنان

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.

مالی برای ادامه تحصیل دختران و برنامه‌های توانمندسازی اقتصادی می‌تواند به ایجاد انگیزه برای جلوگیری از ازدواج زود هنگام کمک کند. در نهایت، نیاز به ایجاد نهادهای نظارتی مستقل و کارآمد احساس می‌شود که به نظارت بر اجرای قوانین و حمایت از قربانیان کودک همسری بپردازند. این نهادها باید به‌طور فعال در شناسایی موارد کودک همسری و ارائه خدمات حمایتی به قربانیان دخالت کنند و از طریق همکاری‌های بین‌المللی، تجربیات و بهترین شیوه‌ها را به اشتراک بگذارند.

به‌طور کلی، تنها از طریق همکاری‌های چندجانبه، تدوین و اجرای سیاست‌های جامع، و تغییر نگرش‌های فرهنگی می‌توان به‌طور مؤثر با کودک همسری مقابله کرد و به حمایت از حقوق کودکان در سرتاسر جهان پرداخت. این رویکردها نه تنها به کاهش کودک همسری کمک می‌کنند، بلکه به ارتقاء حقوق بشر و تضمین آینده‌ای بهتر برای نسل‌های آینده نیز منجر خواهند شد.

- پیشنهادات

• پیشنهادات کاربردی

۱. تقویت قوانین منع کودک همسری
 ۲. افزایش حداقل سن ازدواج
 ۳. ایجاد نهادهای نظارتی مستقل
 ۴. آموزش و آگاهی‌بخشی به والدین و جامعه
 ۵. توسعه برنامه‌های آموزشی برای دختران
- پیشنهادات عملی

۹- مهرپور، حسین (۱۳۷۹)، مباحثی از حقوق زن از منظر حقوق داخلی، مبنای
فقهی و موازین بین المللی، تهران: انتشارات اطلاعات

۱۰- ---، --- (۱۳۹۵)، حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری
اسلامی ایران، چاپ سوم، تهران: انتشارات اطلاعات

ب- مقاله‌ها

۱- توتونچیان، مهری؛ سرشار، مینا (۱۳۹۹)، حق بر زندگی خانوادگی کودکان در
پرتو نظام حقوق بشر، فصلنامه حقوق کودک، سال دوم، شماره هفتم، صص ۱۰۷-
۱۲۳.

۲- خالدیان، آذر (۱۴۰۲)، بررسی کودک همسری از منظر اسلام، حقوق بشر و
راهکارهای آن، دهمین کنفرانس بین المللی پژوهش‌های دینی، علوم اسلامی،
فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام، صص ۱۹-۱.

۳- زمانی، رسول (۱۳۹۹)، سن ازدواج و جایگاه آن در اسناد بین‌المللی، فصلنامه
حقوق پزشکی، صص ۱-۲۱.

۴- شب افروز، مریم (۱۴۰۰)، نگاهی اجمالی به کنوانسیون حقوق کودک و منع
خشونت‌های پنهان علیه کودکان در فضای مجازی، فصلنامه علمی تخصصی
حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران، سال اول، شماره اول، صص ۲۲-۲۴.

۵- شعبانی، مریم (۱۴۰۰)، تحلیل ساختار حقوق کودک در ایران: بررسی مرجع
ملی کنوانسیون حقوق کودک بر مبنای پیمان نامه جهانی حقوق کودک، فصلنامه
تمدن حقوقی، دوره ۴، شماره ۹، صص ۱۳۹-۱۶۸.

۶- طائی، احلام؛ شاجیدر، عبدالکریم (۱۴۰۳)، بررسی حقوقی کودک همسری و
آسیب‌های ناشی از آن از نظر حقوق بشر و اسناد بین‌المللی، نوزدهمین کنفرانس
بین المللی مطالعات حقوقی و قضایی، صص ۱-۱۳.

۷- عظیم زاده، شادی؛ هدایت، هدیه (۱۳۹۵)، از جبران خسارت ناشی از جرم علیه
کودک تا نحوه ترمیم خسارات؛ با نگاهی تطبیقی به قوانین کشورهای اروپایی،
آمریکایی و اسناد بین المللی، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۷، صص ۳۱-۶۵.

۸- قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۷۴)، تزویج کودکان، نامه مفید، شماره ۲،
صص ۱۲۹-۱۵۴.

۹- مروت، مجتبی (۱۳۸۵)، حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه، مجله پژوهش
حقوق و سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، شماره
۱۸، صص ۱-۲۵.

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و
علمی سپاسگزاری می‌شود.
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول
آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای
ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

الف- کتاب‌ها

- ۱- آزادی، کمیل (۱۳۹۹)، کودک همسری، چاپ اول، تهران: نشر آرون
- ۲- آقائی، بهمن (۱۳۷۶)، فرهنگ حقوق بشر، چاپ اول، تهران: انتشارات گنج
دانش
- ۳- پروین، خیرالله (۱۳۹۵)، حقوق بشر از نظر تا عمل، چاپ اول، تهران: نشر
میزان
- ۴- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۹۶)، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، چاپ
هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- ۵- عبادی، شیرین (۱۳۷۸)، حقوق کودک با نگاهی به مسائل حقوقی کودکان در
ایران، جلد اول، تهران: نشر کانون
- ۶- قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۹۵)، حقوق بشر در جهان معاصر، چاپ
سوم، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش
- ۷- مشیرزاد، حمیرا (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر مطالعات زنان، تهران: دفتر مطالعات و
برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی
- ۸- مصفا، نسرين و همکاران (۱۳۸۳)، کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌وری از آن
در حقوق داخلی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی
دانشگاه تهران

۹- رضوانی، ابوالفضل (۱۳۹۹)، بررسی فقهی حقوقی کودک همسری با نگاهی به عرف، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان

۱۰- طاهری، اکرم (۱۴۰۰)، بررسی تطبیقی کودک همسری در فقه مذاهب اسلامی و حقوق ایران و حقوق بین الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (س)

۱۱- عباسی، کیانا (۱۳۹۸)، کودک همسری در حقوق ایران و نظام بین المللی حقوق بشر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم

۱۲- نظام الاسلامی، نازنین زهرا (۱۳۹۸)، تجربه زیسته کودک همسری از نظر زنان کودک، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آیت الله عظمی بروجردی (ره)

۱۰- مقدادی، محمدمهدی؛ جوادپور، مریم (۱۳۹۶)، تاثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جسمی کودکان و ساز و کار مقابله با آن، مجله حقوق پزشکی، صص ۸۷-۶۸

۱۱- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۷۵)، تعامل و تعارض بین فقه و حقوق بشر، فصلنامه فرزانه، شماره ۳، صص ۷-۱۴.

۱۲- هدایت نیا، فرج الله (۱۳۹۸)، تجویز مشروط یا تحریم مطلق کودک همسری؟، نشریه دین و قانون، شماره ۲۶، صص ۱۱-۳۵.

ج- رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها

۱- امراللهی، مهدیه (۱۴۰۰)، کودک همسری و خسارات معنوی ناشی از آن از منظر فقه و حقوق، رساله دکتری تخصصی، دانشگاه ادیان و مذاهب

۲- پاکي کلوانق، آیدا (۱۴۰۰)، کودک همسری از منظر اسلام، حقوق ایران و نظام بین‌المللی حقوق بشر؛ چالش‌ها و راهکارها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی رشديه

۳- جعفری، بهزاد (۱۴۰۰)، بررسی پدیده کودک همسری در قوانین موضوعه ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ارومیه

۴- جواهری، شیوا (۱۳۹۹)، وضعیت و آثار ازدواج کودکان در حقوق بین الملل با نگاهی به حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی

۵- حبیبی ایوریق، سمانه (۱۴۰۱)، بررسی فقهی و حقوقی پدیده کودک همسری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

۶- حبیبی، بانو (۱۴۰۱)، باز پژوهی کودک همسری بر مبنای اصول و قواعد حاکم بر شریعت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز

۷- خزائی، الهام (۱۴۰۱)، بررسی تطبیقی قوانین کودک همسری و خشونت جنسی در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا و ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی هدف

۸- داود الموسوی، سید حسن (۱۴۰۱)، تحلیل فقهی و حقوقی کودک همسری، رساله دکتری تخصصی، دانشگاه تهران